

## گم شده در جمعیت

### بررسی گمنامی و بی فرهنگی در کلاس درس: تحقیق موردی در دانشکده‌های حسابداری ایران

فاطمه صراف \*

مریم صراف \*\*

مسعود کاکاوند \*\*\*

#### چکیده

در این تحقیق، تأثیر گمنامی بر بی فرهنگی در کلاس درس مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مهم نیازمند مطالعه عامل‌هایی است که به رفتار بد منجر می‌شود. اکثراً اعتقاد دارند که بی فرهنگی یک مشکل مهم اجتماعی بوده، به گونه‌ای که حتی محل کار آنها را نیز در بر گرفته است. اگر چه شواهد اشاره دارند که بی فرهنگی به طور قطع به گمنامی افراد مربوط است (یعنی هر چه افراد ناشناس‌تر باشند بی نزاکت‌تر هستند). اما آمار به مراکز آموزشی اشاره‌ای نداشته و هم‌چنین روشی برای کاهش چنین رفتاری پیدا نشده است. تحقیق ما به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا سطح بی نزاکتی کلاس در مجموع کلاس‌ها، دانشکده‌ها یا اجتماع ناشی از گمنامی افراد است یا خیر؟ براساس مطالعه انجام شده معلوم گردید که بی فرهنگی و بی مسئولیتی دانشجویان، بیشتر در کلاس‌های پرجمعیت (بیش از ۴۰ نفر) و مراکز آموزشی بزرگ (بیش از ۱۰۰۰۰ نفر)، و شهرهای بزرگ (بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر) رخ می‌دهند. یافته‌ها حاکی از آن هستند که بی نزاکتی‌های کلاسی ممکن است از طریق برخوردهای بی‌واسطه، افزایش ارتباطات اجتماعی و پاسخگویی، کاهش یابند.

واژگان کلیدی: گمنامی، بی فرهنگی، پاسخگویی و افزایش ارتباطات اجتماعی

---

\* دانشجوی دکتری دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تهران جنوب

\*\* کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی (مسئول مکاتبات: [aznyobe@yahoo.com](mailto:aznyobe@yahoo.com))

\*\*\* کارشناس رشته حسابداری

## مقدمه

بی‌فرهنگی مشکل اصلی اجتماع است. پرات<sup>۱</sup> و پیرسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) بیان می‌دارند که بی‌فرهنگی دلالت بر بی‌نزاکتی و بی‌اهمیتی به دیگران دارد به طوری که قوانین رایج اجتماعی زیر پا گذاشته می‌شود. فورنی<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) اشاره می‌کند که بی‌فرهنگی ارتباط مثبتی با گمنامی دارد، هر چه افراد از اجتماع خود دورتر می‌شوند نسبت به نیازهای دیگران بی‌توجه‌تر و در نهایت، نسبت به عقاید دیگران تحمل کم‌تری نشان می‌دهند. اگرچه داستان رفتار بی‌ادبانه با دیگران به ندرت سر زبان‌ها می‌افتد، نشریات و روزنامه‌ها به طور مرتب، مقالاتی را چاپ می‌کنند که از رفتارهای بد افراد خبر می‌دهند (اندرسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). در بررسی امیلی<sup>۵</sup> (۲۰۰۳)، ۸۱٪ از پاسخ‌دهندگان اعتقاد دارند که مردم امروز، بی‌فرهنگ‌تر از ۲۰ سال قبل هستند و تقریباً سه چهارم آنان اعتقاد دارند که این مشکل روز به روز بیش‌تر می‌شود.

کرتن<sup>۶</sup> و لوین<sup>۷</sup> دریافتند اکثر رؤسای دانشکده‌ها (۵۷٪) اعتقاد دارند که بی‌فرهنگی در محوطه دانشکده‌ها رو به افزایش است. بالدوین (۲۰۰۲)، به گزارش‌هایی استناد می‌کند که در آن ابراز شده که بی‌تمدنی در جوامع دانشگاهی بسیار مخرب می‌باشد و این مطلب قابل انکار نیست.

بیس<sup>۸</sup> (۱۹۹۶) گزارش داد که بی‌فرهنگی در اکثر کلاس‌های درس مشاهده می‌شود و اصطلاح تروریست کلاس برای توصیف شاگردانی به کار می‌رود که فوران احساسی و غیرقابل پیش‌بینی در کل جو کلاس ایجاد می‌کنند. وجود بی‌فرهنگی بدون هزینه نیست، شاید بیشترین هزینه بی‌فرهنگی کلاس، تأثیر منفی آن در یادگیری است. این مقاله در چند بخش ادامه خواهد یافت. در بخش دوم بیان مسئله، در بخش سوم چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، در بخش چهارم فرضیه‌های پژوهش، در بخش پنجم روش‌شناسی پژوهش، در بخش ششم پیشنهادها و راهکارهای مقابله با بی‌فرهنگی در کلاس درس و در بخش آخر بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

1. Porath
2. Pearson
3. Forni
4. Andersson
5. Emily
6. Cureton
7. Levine
8. Boice

### بیان مسئله

در سال‌های اخیر افزایش نرخ جمعیت و رشد بی‌رویه آن، بر رویکردهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و آموزشی جوامع تأثیر بسزایی داشته است. کلاس درس یک سازمان اجتماعی - آموزشی است، وجود نظم در کلاس برای اثربخشی و کارایی یک مدرس مؤثر می‌باشد (شعبانی، ۱۳۷۱) تعداد زیاد دانشجویان در کلاس درس مشکلات عمده‌ای را در زمینه بی‌فرهنگی، مدیریت کلاس و یادگیری دانشجویان ایجاد کرده است. رفتارهای مخرب و مزاحم، با ایجاد محیطی ناآرام، بر یادگیری دانشجویان مؤثر است. گمنامی و بی‌فرهنگی ناشی از افزایش جمعیت دانشجویان، در محیط‌های آموزشی کشورمان، کم‌تر مورد توجه نظام تعلیم و تربیت بوده است.

فلدمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، بی‌فرهنگی کلاس را به عنوان هرگونه عملی که با فضای یادگیری کلاس مداخله دارد، تعریف می‌کند. کرنی<sup>۲</sup> و مک فرسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۶)، هم عقیده‌اند که بی‌فرهنگی دانشجویان تنها معلمان را آزار می‌دهد، بلکه یادگیری دانشجویان را نیز به تأخیر می‌اندازد. هیرسچی<sup>۴</sup> و براکستون<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) دریافتند که کنترل فعالیت‌های دانشجویان در کلاس می‌تواند تأثیر مثبتی در ادراک وی و توسعه دانشجویی داشته باشد. یادگیری دانشجویان و نوآوری او ممکن است با ابزارهای فرهنگی تحریک شوند. هیرسچی و براکستون (۲۰۰۴) اشاره دارند دانشجویانی که به کرات نظاره‌گر بی‌فرهنگی در کلاس هستند، ممکن است انرژی کم‌تری را صرف فکرکردن در کلاس کنند و کم‌تر با مطالب دوره آموزشی در ارتباط باشند و پیوند بخورند. اندرسون (۱۹۹۹)، بیان می‌دارد که تأخیر فرآیند بی‌فرهنگی در کلاس، عوارضی را در بر دارد.

پرات و پیرسون (۲۰۰۴)، گزارش می‌دهند یکی از نتایج بی‌فرهنگی، کنارگذاشتن وظایف آنها به عنوان یک دانشجوی است. هیرسچی و براکستون (۲۰۰۴)، ارتباط منفی بین بی‌فرهنگی در کلاس درس و تعهد در مدرسه را یافتند. بنابراین هزینه نهایی برای بی‌فرهنگی در کلاس به کاهش مشارکت و تعهدات منجر می‌گردد. هزینه‌های بی‌فرهنگی ممکن است با شناسایی عامل‌های منتج به رفتار بد، کاهش یابد. آگاهی از موقعیت‌هایی که در آن خطر بی‌فرهنگی بیشتر است مانند افزایش گمنامی، برای دانشکده‌های فرضی را فراهم می‌کند که درباره توزیع بالقوه دانشجویان بیشتر تأمل کنند.

- 
1. Feldman
  2. Kearney
  3. Mcpherson
  4. Hirschy
  5. Braxton

اصغری پور (۱۳۸۰) معتقد است برای ایجاد فضای مناسب در کلاس درس باید احترام دانشجو را جلب کرد و آنچه که تدریس می شود چنان برای یادگیرنده جذاب باشد که به فکر ایجاد دروس در کلاس نیفتد. بالدوین (۲۰۰۲) بیان می دارد که ارتقاء فرهنگ، تحمل و احترام دانشجویان را افزایش می دهد. تعدیل بی فرهنگی ها، فضای دوستانه تری را برای شرکت در یادگیری های کلاسی ایجاد می کنند. با توجه به پژوهش های انجام شده و تجربیات محقق در محیط های مختلف آموزشی، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا افزایش جمعیت دانشجویان در محیط های آموزشی باعث گمنامی و بی فرهنگی می شود؟

### چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

دیکشنری هریتیج<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) گمنامی (ناشناسی) را به عنوان یک اسم ناشناخته یا ناآشنا شرح می دهد و اساس آن معنای ریشه واژه یونانی «بدون اسم» است. پستمس<sup>۲</sup> و اسپرز<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) در مورد نظریه جمعیت بیان می دارند، ناشناسی به عنوان عامل کلیدی در رفتار ضداجتماعی گروه هایی از مردم است. فورنی<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) اشاره داشت که بی فرهنگی به طور جدی مربوط به ناشناسی افراد است (یعنی هرچه آدم ها در ارتباط و مرادده کم تری با هم باشند بی فرهنگی را بهتر انجام می دهند) او بیان می دارد که اغلب مردم ارتباط معدودی با جامعه ای که در آن زندگی می کنند، دارند. فرویس<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) گزارش می دهد که رویدادهای بی نزاکتی و بی انضباطی گسترده می باشد و در هر خانه، محل کار، مکان عمومی و کلاس رخ می دهد. شریعتمداری (۱۳۸۷) عوامل ایجادکننده بی انضباطی در محیط آموزشی را شامل موارد ذیل می داند:

- یادگیرنده (ناراحتی جسمانی، روحی - روانی، نداشتن علاقه و انگیزه، بی اعتنائی به قوانین و مقررات کلاس درس، استقلال طلبی و مقابله با اقتدار مدرس)؛
- مدرس (فقدان آمادگی جسمانی، روانی، ناآگاهی از روش های جدید تدریس)؛
- خانواده (فضای روانی - عاطفی خانواده، فقدان والدین، ترتیب فرزندان)؛
- روانی (ناکامی، استرس، تعارض)؛
- اجتماعی (طبقه اجتماعی، همسالان، عوامل اجتماعی به عنوان الگوی رفتاری).

---

1. Heritage  
2. Postmes  
3. Spears  
4. Forni  
5. Ferviss

بررسی گسترده در مورد محیط آموزشی آشکار می‌کند که بی‌نظمی می‌تواند ناشی از بی‌فرهنگی باشد که در کلاس بدون توجه به تفاوت‌های مرتبط به جنسیت، نژاد، سن یا تجربه چند ساله رخ می‌دهد.

رولند<sup>۱</sup> و سیرسکنو<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) تشخیص دادند که بی‌فرهنگی در کلاس بر تحصیل حرفه‌ای نیز حاکم شده است. متیو<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) بیان می‌دارد که مشکل مهم تدریس در کلاس‌های پرجمعیت، گمنامی دانشجو در کلاس است. بیس<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) الگوهای مایوس‌کننده‌ای را گزارش می‌دهد که در ۵۰٪ از موارد حکایت از بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت را دارد. در رابطه با گمنامی و بی‌فرهنگی در کلاس درس، از سوی برخی از صاحب‌نظران تحقیقات و تجارب متعددی گزارش شده است.

بویر<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) ابراز کرد همان طوری که دانشگاه‌ها از لحاظ تعداد دانشجو افزایش می‌یابد، رویارویی و مواجهه افراد نیز دچار تغییر می‌شود. متیو<sup>۶</sup> (۱۹۹۸)، بیان می‌دارد که دانشجویان در کلاس‌های پرجمعیت علاقه‌ای به دیگران ندارند و احساس ناشناسی (گمنامی) می‌کنند. آنها در دریای چهره‌ها یک چهره بدون اسم می‌شوند. کاربن<sup>۷</sup> (۱۹۹۹)، خاطرنشان می‌کند که ناشناسی و طبیعت یک کلاس پرجمعیت می‌تواند باعث شود که دانشجویان آرزوی کلاس کم‌جمعیت را در دل نداشته باشند.

کاربن (۱۹۹۸) افت شخصیت و گمنامی را به صورتی وصف می‌کند که فرد را احاطه کرده است به نحوی که حتی در رویدادهای ورزشی شلوغ، حرف‌های زشتی را به داور فریاد می‌زنند. همچنین، افول فرهنگی را در قالب رفتاری وصف می‌کند که در آن یک شاگرد خوب، پیامک می‌فرستد، چرت می‌زند یا حتی در کلاس تقلب می‌کند. شاگردان گمنام معتقدند که آنها می‌توانند رفتارهایشان را در گروه مخفی کنند. کوپر<sup>۸</sup> و رایبسون<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) همچنین گزارش دادند دانشجویانی که در کلاس‌های پرجمعیت و با سر و صدا حضور دارند، زمانی که در جمعیت گم می‌شوند، (خواه کلاس پرجمعیت در یک دانشکده بزرگ یا شهر بزرگ) احساس آنها از گمنامی ممکن است

1. Rowland
2. Sirsukno
3. Mathews
4. Boice
5. Boyer
6. Matthews
7. Carbone
8. Cooper
9. Robinson

به بی‌فرهنگی در کلاس درس تبدیل گردد که این منجر به انحراف محیط یادگیری از مسیر اصلی خواهد شد. پیرسون<sup>۱</sup>، اندرسون<sup>۲</sup> و ونگر<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) معتقدند که بی‌فرهنگی بی‌فرهنگی زمانی افزایش خواهد یافت که شانسی برای انعکاس و واکنش منفی نباشد یا خیلی کم باشد. در محیطی که گمنامی بسیار زیاد است؛ احتمال واکنش منفی به رفتارهای بد کاهش می‌یابد چون اهداف محرک شناسایی نمی‌شوند.

فلاناگان اذعان می‌کند که در کلاس پرجمعیت و معمولی که صندلی‌هایی رو به تریبون (میز سخنرانی) دارد، رفتارهای ناخوشایندی رخ می‌دهد. گمنامی به افت شخصیت منجر می‌شود و روندی است که هویت شخصی یک فرد از طریق هویت گروه جایگزین می‌شود.

هریس<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، بیان می‌دارد که افراد گمنام فعالیت خود را تنها جزء کوچکی از کل می‌بینند و بنابراین، بی‌فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار نیست و همه مرتکب می‌شوند. گرچه مایرز<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۶) درگیری در کلاس را مرتبط با تعداد دانشجویان ندیدند ولی میانگین افراد کلاس در تحقیق آنها تنها ۳۷ دانشجو بود. بررسی انجام شده در دانشگاهی در کشور هند اشاره دارد که ۶۴٪ از بی‌فرهنگی بیشتر در کلاس‌های پرجمعیت (با تعداد دانشجویی بیش از ۴۰ نفر) رخ می‌دهد تا کلاس‌های با دانشجویی کم‌تر. کلارک<sup>۶</sup> و اسپریگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۷)، بیان داشته‌اند که در رشته رشته پرستاری بی‌فرهنگی را به عنوان مشکل بزرگ در خارج و داخل کلاس مشاهده کرده‌اند. نوگامی<sup>۸</sup> (۲۰۰۹)، بیان می‌دارد که رفتارهایی مانند «علاقه به خود» در میان افراد گمنام افزایش می‌یابد، حتی زمانی که چنین رفتارهایی غیراخلاقی تلقی می‌شوند. دلوشیا<sup>۹</sup> و ایسنزا<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) ادعا کردند که بی‌فرهنگی دانشجو می‌تواند در سه مقوله (گونه رفتاری) طبقه‌بندی شود:

1. Pearson
2. Andersson
3. Wenger
4. Harris
5. Meyers
6. Clark
7. Sprige
8. Nogami
9. Deluia
10. Iasenza

- رفتارهای خشونت‌آمیز دانشجو: شامل مجادله‌های فیزیکی در داخل و خارج از کلاس است، شدیدترین نوع خشونت رفتاری، استفاده از سلاح در محوطه دانشگاه است که در ویرجینیا<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در ایالت سندپگو<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) و دانشگاه تگزاس در آستین<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) گزارش شده‌اند.

- بی‌مسئولیتی دانشجویان: بی‌احترامی به استاد و دیگر دانشجویان را در کلاس نشان می‌دهد و شامل حضور دانشجویان در کلاس بدون آمادگی و تقلب در امتحانات می‌باشد.

- رفتارهای نامناسب دانشجو: شامل خوردن و آشامیدن سرکلاس، فعالیت‌های توأم با خستگی یا بی‌تفاوتی و به کارگیری الفاظی است که نشان‌دهنده نارضایتی می‌باشد.

ما در این جا از این سه مقوله برشمرده شده برای بررسی و انجام تحقیق بهره گرفتیم. این پژوهش ارتباط بین محیط‌های ناشناس و بی‌فرهنگی را در کلاس‌های درس حسابداری مورد بحث قرار می‌دهد. با توجه به تأثیر گمنامی بر بی‌فرهنگی دانشجویان و کاهش یادگیری که از اهداف مهم آموزش در کلاس درس می‌باشد، به فرضیه‌های این تحقیق می‌پردازیم.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های تحقیق به شکل زیر تدوین گردیده است:

فرضیه ۱: سطح بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت بیشتر از کلاس‌های کم‌جمعیت است.

فرضیه ۲: سطح بی‌فرهنگی در مراکز آموزشی بزرگ بیشتر از مراکز آموزشی کوچک است.

فرضیه ۳: سطح بی‌فرهنگی در مراکز آموزشی واقع در شهرهای بزرگ بیشتر از سطح بی‌فرهنگی در مراکز آموزشی در شهرهای کوچک است.

---

1. Virginia  
2. Sandiego  
3. Austin

## روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، برای سنجش سطح بی‌فرهنگی در محیط دانشکده‌ها روش پرسشنامه‌ای به کار گرفته شد. جهت استفاده از این ابزار از دانشکده‌های حسابداری، اطلاعات و مجوز لازم اخذ و سپس برای به روز کردن آن و اصلاح طرح و جمع‌آوری داده‌های جمعیت‌شناسی مورد نیاز برای تحقیق، سئوالاتی را تنظیم و به سئوالات موجود اضافه کردیم.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌های تنظیمی برای ۹۰۰ نفر از اساتید گروه حسابداری (از تمام سنین و سطوح مختلف تجربه) ارسال شد و در مجموع ۳۶۷٪ پاسخ دریافت کردیم. پاسخ‌های ارسالی اساتید دانشکده‌ها (در تمام سطوح تجربه) در جدول (۱) به شرح ذیل گزارش شده است:

جدول (۱) پاسخ‌های بدست آمده از پرسشنامه‌های ارسالی به اساتید دانشکده‌های

## حسابداری

میزان پاسخ		بررسی‌های بدست آمده		پرسشنامه‌های ارسالی		سوابق اساتید
%	%	n	%	n		
۲۷/۸	۲۶/۲	۸۷	۳۴/۷	۳۱۲		۵ سال
۳۴/۲	۳۳/۹	۱۱۲	۳۶/۳	۳۲۷		۵-۱۰ سال
۴۵/۹	۳۶/۴	۱۲۰	۲۹	۲۶۱		۱۰ سال به بالا
	۳/۳	۱۱				به میزان سابقه اشاره نشده
۳۶/۷	۱۰۰/۰	۳۳۰	۱۰۰/۰	۹۰۰		جمع

در این بررسی از شرکت‌کنندگان درخواست شد که تجربه خود را از ۳۴ رفتار طبقه‌بندی شده مشخص کنند. سئوالات به ترتیب در مورد رفتارهای نامناسب دانشجوی، بی‌مسئولیتی دانشجوی و رفتارهای خشونت بار دانشجوی طبقه‌بندی شدند. علاوه بر این، از شرکت‌کنندگان در مورد بی‌فرهنگی کلاس‌های کم‌جمعیت در مقابل کلاس‌های پرجمعیت با توجه به تجربیات آنها سئوالاتی به شرح ذیل پرسیده شد:



آیا بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت بیشتر اتفاق می‌افتد یا کلاس‌های کم‌جمعیت؟

- بیشتر در کلاس‌های کم‌جمعیت؛
  - کمی بیشتر در کلاس‌های کم‌جمعیت؛
  - فرقی نمی‌کند؛
  - کمی بیشتر در کلاس‌های پرجمعیت؛
  - بسیار بیشتر در کلاس‌های پرجمعیت.
- سرانجام از همه شرکت‌کنندگان درخواست شد که نظرات خود را درباره دانشکده و جمعیت جامعه خود بیان کنند.

### ۱. ارزیابی و تشریح نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

به منظور تعیین احتمال انحراف بدون پاسخ، ما پاسخ‌ها را به دو گروه مقوله‌های زودرس و تأخیری، تقسیم‌بندی کردیم. در هیچ مورد تفاوت قابل توجهی در گروه‌های پاسخ پیدا نشد. نتایج اشاره داشت که مراکز آموزشی با دانشجویان جوان‌تر تمایل بیشتری به انجام بی‌فرهنگی دارند.

#### ۱-۱. بی‌فرهنگی در ارتباط با جمعیت کلاس

براساس پاسخ شرکت‌کنندگان در بررسی این که آیا بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت یا کم‌جمعیت رخ می‌دهد، جدول (۲) تنظیم شد. جدول (۲) نشانگر آن است که ۷۷٪ اعتقاد دارند که بی‌فرهنگی بیشتر در کلاس‌های پرجمعیت رخ می‌دهد. به منظور پاسخ به این سؤال که آیا فراوانی‌های گزارش شده به طور قابل توجهی، از توزیع مساوی در پنج گروه اختلاف دارد یا خیر از آزمون  $\chi^2$ -دو استفاده کردیم. آزمون  $\chi^2$  - دو<sup>۱</sup> برای استفاده از داده‌های طبقه‌بندی شده وقتی که فراوانی مورد انتظار برای هر گروه بزرگتر از ۵ باشد، مناسب است (کانجی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). نتیجه  $\chi^2$  - دو اشاره به توزیعی دارد که به طور معنی‌داری با فرض  $p < 0.001$  معنی‌دار بود و مؤید فرضیه (۱) است که سطح بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت بیشتر از کلاس‌های کم‌جمعیت می‌باشد.

1. Chi - Square

2. Kanji

جدول (۲) نتایج آزمون خی - دو مربوط به فراوانی و درصد بی فرهنگی رخ داده در کلاس های پرجمعیت و کم جمعیت

شرح	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار بیشتر در کلاس های پرجمعیت	۱۱۳	۳۵	۳۵
کمی بیشتر در کلاس های پرجمعیت	۱۳۸	۴۲/۷	۷۷/۷
در حدود تساوی	۶۰	۱۸/۶	۹۶/۳
کمی بیشتر در کلاس های کم جمعیت	۸	۲/۵	۹۸/۸
بسیار بیشتر در کلاس های کم جمعیت	۴	۱/۲	۱۰۰
جمع	۳۲۳		

۴۰ نفر > تعداد دانشجویان \_ کلاس پرجمعیت

۴۰ نفر ≤ تعداد دانشجویان \_ کلاس کم جمعیت

### ۲-۱. بی فرهنگی در ارتباط با آمار ثبت نام و تعداد جمعیت شهرها

در جدول (۳) سطوح بی فرهنگی با گونه های رفتاری آن ارائه شده است. همان طور که انتظار می رفت، رفتارهای نامناسب و بی مسئولیتی دانشجویان نسبت به رفتارهای خشونت بار بیشتر است.

در مقوله رفتار خشونت بار، غالباً «پیامک نامناسب ارسالی» مشاهده می شود و در مقوله بی مسئولیتی، رفتار مشاهده شده اغلب «عدم آمادگی در کلاس» و سرانجام از مقوله رفتار نامناسب، رفتار مشاهده شده اغلب «خستگی و بی انگیزگی» بود. به منظور سنجش سطح بی فرهنگی در هر مقوله، ما رفتارهای کدبندی شده در آن مقوله را برای هر شخصی میانگین گرفته ایم.

برای مقایسه دو گروه مستقل، آزمون U مان - ویتنی<sup>۱</sup> انتخاب شد. مراکز آموزشی را زمانی به عنوان بزرگ طبقه بندی می کنیم که ثبت نام آنها بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ دانشجوی و شهرهایی بزرگ هستند که بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ شهروند داشته باشند. از آن جایی که آزمون مان - ویتنی مشاهدات را از پایین تا بالا طبقه بندی می کند، انجام بیشترین کارهای ناشایست، معرف بالاترین میانگین در آن طبقه است (گیبونز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵).

1. Mann - Whitney U- test

2. Gibbons

## جدول (۳) رخدادهای بدست آمده در مورد بی‌فرهنگی در کلاس

<b>رفتارهای نامناسب دانشجو:</b>	
ا.	آدامس جویدن در کلاس
ب.	خوردن در کلاس
ج.	بی‌حوصلگی و خستگی در کلاس
د.	بی‌انگیزگی
ه.	اظهارات یا رفتارهای کنایه‌آمیز
<b>رفتارهای بی‌مسئولیتی دانشجو:</b>	
ا.	استفاده از رایانه در کلاس به منظوره‌های نامرتبط با درس
ب.	استفاده از موبایل یا پیجر (موقعیت‌یاب) در کلاس
ج.	دیر رسیدن به سر کلاس
د.	رفت و آمد در کلاس
ه.	ترک کلاس زودتر از موعد
و.	قطع کلاس
ز.	عدم آمادگی در کلاس
ح.	ایجاد تنش با بیان بحث در کلاس
ط.	تقلب در امتحان پایان ترم و میان ترم
ی.	درخواست کلاس جبرانی، شماره تلفن یا موارد خاص
ک.	متلک به دیگر دانشجویان
ل.	چالش در مورد دانش و اعتبار شما در کلاس
م.	خوابیدن در کلاس
ن.	عدم توجه در کلاس
س.	عدم یادداشت‌برداری در کلاس
ع.	گفتارهای مخمل با دیگر دانشجویان
ف.	گفتارهایی که حواس شما را پرت می‌کند
ص.	بی‌میلی در پاسخ به سئوالات
<b>رفتارهای خشنونت بار دانشجو:</b>	
* - اظهارات کلافه‌کننده در مورد نژاد، قومیت یا جنسیت	
۱.	در کلاس
۲.	در ارتباط مستقیم با شما در کلاس
۳.	در ارتباط مستقیم با شما در خارج از کلاس
* - دیگر اظهارات کلافه‌کننده شامل هرزگی یا بی‌ادبی	
۱.	در کلاس
۲.	در ارتباط مستقیم با شما در کلاس
۳.	در ارتباط مستقیم با شما در خارج از کلاس

نتایج نشان داده شده در جدول (۴) حاکی از آن است که میانگین و سطح بی‌فرهنگی در هر سه مقوله در مراکز آموزشی پرجمعیت بیشتر از مراکز آموزشی کم‌جمعیت می‌باشد. براساس آزمون مان-ویتنی از تفاوت جمع رتبه‌ها استفاده شد که میزان معنی‌داری به دست آید.

جدول (۴) نتایج آزمون مان-ویتنی مربوط به تفاوت‌های فرهنگی رخ داده براساس آمار ثبت‌نام مراکز آموزشی

معنی‌داری	جمع رتبه‌ها	رتبه میانگین	N	رفتارهای نامناسب دانشجو در:
	۲۸۸۸۰	۱۴۹	۱۹۴	مراکز آموزشی کوچک
	۷۳۱۶۸	۱۵۶	۱۰۸	مراکز آموزشی بزرگ
۰/۴۸۱			۳۰۲	جمع
				رفتارهای بی‌مسئولیتی دانشجو در:
	۲۶۵۷۳	۱۴۱	۱۸۹	مراکز آموزشی کوچک
	۱۷۰۸۸	۱۶۱	۱۰۶	مراکز آموزشی بزرگ
۰/۰۴۶			۲۹۵	جمع
				رفتارهای خشونت بار دانشجو در:
	۳۱۳۵۲	۱۵۴	۲۰۳	مراکز آموزشی کوچک
	۱۹۰۵۱	۱۶۷	۱۱۴	مراکز آموزشی بزرگ
۰/۲۳۴			۳۱۷	جمع

۱۰۰۰۰ ≤ آمار ثبت‌نام - مراکز آموزشی کوچک

۱۰۰۰۰ > آمار ثبت‌نام - مراکز آموزشی بزرگ

در  $p < 0/05$  معنا دار است

پیدا کردن تفاوت بیشتر از مجموعه رتبه‌ها، نشان می‌دهد که احتمال این که گروه‌ها مثل هم باشند بسیار ضعیف است. تفاوت بین جمع رتبه‌ها در  $p < 0/05$  در مقوله بی‌مسئولیتی معنی‌دار بود. نتایج ما فرضیه ۲ را تأیید می‌کند مبنی بر این که سطح بی‌فرهنگی در مراکز آموزشی پرجمعیت بیشتر از سطح بی‌فرهنگی در مراکز آموزشی کم‌جمعیت در مقوله بی‌مسئولیتی دانشجویان است.

نتایج جدول (۵) دلالت بر این دارد که جوامع بزرگ بیشترین رتبه میانگین و بنابراین بیشترین سطح بی‌فرهنگی در هر سه مقوله رفتاری را دارد. نتایج ما فرضیه ۳ را تأیید می‌کند که سطح بی‌فرهنگی در مقوله بی‌مسئولیتی دانشجویان مراکز آموزشی در جوامع بزرگ بیشتر از جوامع کوچک است.

جدول (۵) نتایج آزمون مان-ویتنی مربوط به تفاوت‌های بی‌فرهنگی رخ داده با توجه به تعداد جمعیت شهرها

معنی‌داری	جمع رتبه‌ها	رتبه میانگین	N	رفتارهای نامناسب دانشجو در:
	۲۰۴۱۰	۱۴۳	۱۴۳	شهرهای کوچک
	۲۴۷۴۰	۱۵۸	۱۵۷	شهرهای بزرگ
۰/۱۳۸			۳۰۰	جمع
				رفتارهای بی‌مسئولیتی دانشجو در:
	۱۸۱۱۹	۱۳۴	۱۴۰	شهرهای کوچک
	۲۳۶۹۰	۱۵۸	۱۵۲	شهرهای بزرگ
۰/۰۱۹			۲۹۲	جمع
				رفتارهای خشونت بار دانشجو در:
	۲۲۲۸۰	۱۵۲	۱۴۷	شهرهای کوچک
	۲۷۴۹۱	۱۶۴	۱۶۸	شهرهای بزرگ
۰/۲۳۷			۳۱۵	جمع

$۱۰۰۰۰۰ \leq$  جمعیت \_ شهرهای کوچک

$۱۰۰۰۰۰ >$  جمعیت \_ شهرهای بزرگ

در  $P < ۰/۰۵$  معنادار است.

#### پیشنهادات و راه کارهای مقابله با بی‌فرهنگی در کلاس درس

محققان راهبردهایی را برای برخورد با بی‌فرهنگی کلاس و گمنامی پیشنهاد کرده‌اند.

- استفاده از رفتارهای بی‌واسطه: این راهبرد برای جلوگیری از بی‌فرهنگی توصیه می‌گردد. کرنی<sup>۱</sup> و پلاک<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)؛ کوپر و رایبسون (۲۰۰۱)؛ ویلسون<sup>۳</sup> و تیلور<sup>۴</sup> (۲۰۰۱)، اشاره می‌کنند که کلاس‌های پرجمعیت اغلب فاصله‌ای را میان مربیان و دانشجویان ایجاد می‌کنند. "رفتارهای بی‌واسطه"، درک نشانه‌هایی است که به نزدیکی مربی و دانشجو کمک می‌نماید. رفتارهای بی‌واسطه نظیر گفت‌وگوی دوستانه با دانشجویان قبل از کلاس، اشاره به کلاس با اطلاق «کلاس ما» و همچنین حرکت در کلاس در زمان تدریس می‌باشد.

1. Kearney
2. Plak
3. Wilson
4. Taylor

مارزانو (۱۹۹۲، نقل از سیف ۱۳۸۷) معتقد است که باید با همه یادگیرندگان تماس چشمی داشته باشید، یادگیرندگان را با نام کوچک یا نام مورد علاقه‌شان صدا بزنید. به سمت دانش‌آموختگان حرکت کنید و نزدیک به آنها باقی بمانید. به صورت فردی با آنها صحبت کنید و با ایشان آشنا شوید. به اشکال پسندیده مثلاً دست دادن در جشن‌ها با آنها ارتباط برقرار کنید.

میرز<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، گزارش می‌دهد که "مراقب بودن" بعد مهمی در تدریس مؤثر در دانشگاه است که نه تنها بر یادگیری دانشجویان و طرز فکر آنها در کلاس تأثیر می‌گذارد، بلکه درگیری‌های کلاس را نیز کاهش می‌دهد. ریچموند<sup>۲</sup>، لند<sup>۳</sup> و مک روسکی<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، اشاره دارند که افزایش رفتار بی‌واسطه معلم منجر به کاهش مقاومت دانشجوی می‌شود. میرز و همکاران (۲۰۰۶)، دریافتند که مربیانی که بر "رفتارهای کنترل نشده" تأکید دارند، سطح خشونت بالاتری را تجربه خواهند کرد. آنها همچنین، گزارش دادند که روش‌های مدیریتی، که ناظر بر ارتباط‌های بین دانشگاه و دانشجویان است، در کاهش درگیری‌ها مؤثر هستند. بهترین سبک مدیریت کلاس درس سبک اقتدارگرایی آزادمنشانه یا دموکراسی قانون‌مدارانه است. بهتر است مدرس خود را به یک سبک واحد مقید نکند و در مواقع لزوم از سبک‌های دیگر نیز استفاده نماید (سیف ۱۳۸۷).

- استفاده از گروه‌های کوچک مشارکتی: دومین راهبرد پیشنهاد شده درباره بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت استفاده از گروه‌های مشارکتی است. کوپر و رایبسون شرح می‌دهند، همان طور که دانشجویان با یکدیگر مراوده و دوستی دارند، آنها یاد می‌گیرند که به دیگران نیز احترام بگذارند و حس اجتماعی بودن را ایجاد کنند.

میرز (۲۰۰۳)، حتی گروه‌های کوچک را به عنوان جوامع یادگیری اطلاق می‌کند و به استفاده از روش کار گروه‌ها و بحث‌ها یا تحلیل‌های گروهی، از موضوعات پیش آمده اشاره می‌کند که باعث ایجاد اتحاد بیشتر و جلوگیری از درگیری در کلاس درس می‌شود. تامپسون<sup>۵</sup> (۲۰۰۳)، همچنین از کار گروه‌ها برای کمک به ارتباط و دوستی دانشجویان استفاده می‌کند.

- 
1. Meyers
  2. Richmond
  3. Land
  4. Mcroskey
  5. Thompson

- روش‌های تعلیمی: این راهبرد پاسخگویی را افزایش و رفتار گمنام گونه و مخرب را کاهش می‌دهند. والاس<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، بیان می‌دارد که گمنامی همیشه پاسخگویی را کاهش می‌دهد. هالپرن و دسرچرز (۲۰۰۵)، ارتباطی را ترسیم کردند که دانشجویان را موظف به پیگیری تدریس در کلاس‌های پرجمعیت می‌کند. سرینلی<sup>۲</sup> (۱۹۹۴)، به خاطر سپردن نام دانشجویان را عاملی برای کاهش بی‌فرهنگی در کلاس می‌داند.

هال<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)؛ تامسون (۲۰۰۸)، گزارش می‌دهند که حداقل فایده انتصاب عنوان "متخصصان" به کار گروه‌ها این است که استاد و شاگرد در کلاس، اسم‌ها را یاد می‌گیرند. به علاوه پاسخگویی و آمادگی در کلاس بهبود پیدا می‌کند. مورفی<sup>۴</sup> و ولف<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، استفاده از برگه‌های الکترونیکی را برای تشویق بیشتر دانشجویان پیشنهاد داد که پاسخگویی را آسان و وسیله سنجش مربی از پاسخ‌ها است. اندرسون<sup>۶</sup>، اندرسون<sup>۶</sup>، کاین<sup>۷</sup> و بیرد<sup>۸</sup> (۲۰۰۴)، استفاده از ارزیابی دوره‌ای دانشجویان را به صورت صورت بر خط<sup>۹</sup> پیشنهاد دادند. سرانجام، استفاده از فناوری سیستم پاسخ‌دهی دانشجویان، حس پاسخگویی را تقویت می‌کند و با شناسایی پاسخ فرد، گمنامی را کاهش می‌دهد. جکسون<sup>۱۰</sup> و تریس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳)؛ کالول<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۷) چرت کم‌تر و بحث بیشتر را گزارش می‌دهند.

### بحث و نتیجه‌گیری

براساس تجزیه و تحلیل‌های انجام شده، کلاس‌های پرجمعیت در مراکز آموزشی بزرگ و شهرهای بزرگ، محیط‌هایی هستند که ممکن است دانشجویان در آن احساس گمنامی نمایند و در نتیجه سطح بی‌فرهنگی در آنها افزایش یابد. هدف از این

1. Wallace
2. Soreinlli
3. Howle
4. Morphy
5. Wolff
6. Anderson
7. Cain
8. Bird
9. On Line
10. Jackson
11. Trees
12. Calwell

تحقیق، بررسی تأثیر گمنامی در جمعیت بر سطح بی‌فرهنگی در کلاس‌های درس حسابداری است.

در ابتدا، مدارک آماری مهمی در رابطه با این که بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت بیشتر از کلاس‌های کم‌جمعیت است ارائه شد. فرضیه ما اشاره به سطح بی‌فرهنگی بیشتر در کلاس‌های پرجمعیت دارد. نتایج کمی از محاسبات توصیفی، از فرضیه بی‌فرهنگی در کلاس‌های پرجمعیت حمایت می‌کند. نتایج ما از یافته‌های مایرز و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) مبنی بر "عدم ارتباط بی‌فرهنگی دانشجویان و کلاس پرجمعیت" پرجمعیت حمایت نمی‌کند چون میانگین نفرات گزارش شده توسط پاسخگویان تنها ۳۷ دانشجو بود. به اعتقاد ما تعریف کلاس پرجمعیت با ۳۷ نفر صحیح نیست.

سپس، در این تحقیق معلوم شد که سطح بی‌فرهنگی بیشتر زمانی رخ می‌دهد که دانشجویان در مراکز آموزشی بزرگ ثبت‌نام شوند. نتایج آماری نیز نشان می‌دهد که بی‌فرهنگی در مقوله رفتارهای بی‌مسئولیتی بیشتر در کلاس‌های پرجمعیت مراکز آموزشی بزرگ رخ می‌دهد. سرانجام، در این تحقیق ما فرض کردیم که سطح بی‌فرهنگی در کلاس‌های درس بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که دانشگاه در شهرهای بزرگ واقع شده باشد.

نتایج تحقیق ما ارتباط بین بی‌فرهنگی و بی‌مسئولیتی دانشجو را تأیید کرد، اما همان سطح از ارتباط بین بی‌فرهنگی با دو مقوله دیگر از رفتارهای دانشجویان را نشان نداد. این احتمال وجود دارد که رفتارهای نامناسب که در شأن کلاس نیستند، آن قدر عادی شده‌اند که اصلاً گزارش نمی‌شوند و رفتارهای خشونت بار دانشجو که اساتید و یا دیگر دانشجویان را تهدید کند، خیلی کم اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، تحقیق ما تأثیر سه محیط مختلف بر سطح بی‌فرهنگی کلاس را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود که ارتباطات احتمالی بین حجم کلاس، مقطع تحصیلی، محیط و اجتماع با گمنامی و بی‌فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. دانشکده‌هایی که در کلاس، محیط و شهرهای بزرگ اقدام به آموزش می‌کنند باید معیارهای تعیین شده‌ای را برای جامعه‌سازی، شخصیت‌شناسی و پاسخگویی دانشجویان به کارگیرند. همان طوری که اشاره شد. این معیارها شامل رفتارهای بی‌واسطه‌ای است که بی‌فرهنگی در کلاس را با ایجاد ارتباط بیشتر با دانشجو می‌کاهد. تشکیل کار گروه‌های کوچک که شخصیت دانشجویان را ساخته و گروه‌های



یادگیری را تشکیل می‌دهد و بالاخره حفظ پاسخگویی دانشجویان، خطاب کردن دانشجویان به اسم کوچک و پیگیری واکنش آنها باعث می‌شود تا آنها نتوانند خود را در جمعیت مخفی نمایند و در نتیجه با رفتارهای مناسب پاسخگو بوده و به‌طور فعال در کلاس درس مشارکت می‌کنند. وقتی که دانشجویان در جمعیت گمشده نباشند، محیط برای فضایی هماهنگ برای یادگیری مؤثر فراهم خواهد بود.

این تحقیق، فقط سطح بی‌فرهنگی کلاس را در دانشکده‌های حسابداری نشان داده است. مطالعات اولیه دلالت بر پایین بودن سطح رشد اخلاقی در دانشجویان حسابداری نسبت به سایر دانشجویان داشت. ولی مطالعات بعدی ثابت کرد که دانشجویان رشته حسابداری نسبت به سایر رشته‌ها علوم انسانی از رشد اخلاقی بالاتری برخوردارند. دانشجویان رشته‌های مدیریت بازرگانی نیز از نظر حس مسئولیت‌پذیری مانند دانشجویان رشته حسابداری می‌باشند. دستیابی به یک زمینه آموزشی مثبت میسر نخواهد بود مگر آن که سطح بی‌فرهنگی را کاهش دهیم. دانشکده‌ها و مراکز آموزشی که از مخاطرات محیط‌های گمنام، مطلع باشند می‌توانند با اتخاذ تمهیداتی از اختلالات داخل کلاس و بی‌مسئولیتی دانشجویان پیشگیری کنند.

## منابع

- اصغری پور، حمید (۱۳۸۰). کلیات راهنمایی و مشاوره. مشهد: کرشمه.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی نوین. تهران: دوران.
- شعبانی، حسن (۱۳۷۱). مهارت‌های آموزش و پرورش. انتشارات سمت.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی. اصفهان: مشعل.
- Caldwell, J. (2007). Clickers in the large classroom: current research and best-practice tips. *eBE-Life Sciences Education* (Spring), 9-20.
- Clark, C. & Springer, P. (2007). Thoughts on incivility: Student and faculty perceptions of uncivil behavior in nursing education. *Nursing Education Perspectives* (March), 93-97.
- Elias, R. (2004). An examination of business students' perception of corporate social responsibilities before and after bankruptcies. *Journal of Business Ethics* (52), 267-281.
- Emerson, T., Conroy, S., & Stanley, C. (2007). Ethical attitudes of accountants: Recent evidence from a practitioners' survey. *Journal of Business Ethics* (71), 73-87.
- Emily Post Institute. (2003). Civility survey results. Retrieved October 2, 2007, at <http://www.emilypost.com/surveys/results/polllll.html>
- Flanagan, R. (2008). Lucifer goes to law school: Towards explaining and minimizing law student peer-to-peer harassment and intimidation. *Washburn Law Journal*, 47, 453-469.
- Halpern, D. & Desrochers, S. (2005). Social psychology in the classroom: Applying what we teach as we teach it. *Journal of Social and Clinical Psychology* (Vol. 24, No. 1), 51-61.
- Kearney, P., Plax, T., & McPherson, M. (2006). Student incivility and resistance in the classroom. In Mottet, T., Richmond, V. & McCroskey, J. (Eds). (2006). *Handbook of Instructional Communication: Rhetorical and Relational Perspectives* (Chap. 11, 235-252). Boston: Pearson Education, Inc.
- Nogami, T. (2009). Reexamination of the association between anonymity and self-interested unethical behavior in adults. *The Psychological Record* (59), 259-272.
- O'Leary, C. & Pangemanan, G. (2007). The effect of groupwork on ethical decision-making of accountancy students. *Journal of Business Ethics* (75), 215-228.

- Richmond, V., Lane, D., & McCroskey, J. (2006). Teacher immediacy and the teacher-student relationship. In Mottet, T., Richmond, V. & McCroskey, J. (Eds). (2006). *Handbook of Instructional Communication' Rhetorical and Relational Perspectives* (Chap. 8, 167-194). Boston: Pearson Education, Inc.
- Ritchie, R. (2000). Civility in the practice of law: Must we be "Rambos" to be effective? Washington State Bar Association Publications. Retrieved October 31, 2005, at <http://www.wsba.org/media/publications/barnews/archives/2000/feb-00-civility.htm>.
- Rolland, M. & Srisukho, K. (2009). Dental students' and faculty members' perceptions of incivility in the classroom. *Journal of Dental Education* (January), 119-126.
- Wolf-Wendel, L., Toma, J., Morpew, C. (2001). There's no "I" in "Team": Lessons from athletics on community building. *The Review of Higher Education* (24. 4), 369-396.